

عشق زیاد هم قیمتی نیست

بریزیت ژيرو
اصغر نوري

برنده‌ی جایزه‌ی گنگور داستان کوتاه ۲۰۰۷



هیرمند

www.kotab.ir

رسمیه هیمنده
توسعه

سرشناسه: ژیرو، بریژیت، ۱۹۶۰ - م. Giraud, Brigitte .. عنوان و نام پدیدآور: عشق زیاد هم قیمتی نیست/ بریژیت ژیرو؛ [مترجم] اصغر نوری .. مشخصات نشر: تهران: نشر هیرمند، ۱۳۹۴ .. مشخصات ظاهری: ۷۰ ص؛ ۵/۲۱x۵/۱۴ س.م. .. فروست: شهرزاد .. شابک: ۲-۳۸۲-۴۰۸-۹۶۴-۹۷۸ .. یادداشت: عنوان اصلی: L'amour est très surestimé, c2007. موضوع: داستان‌های فرانسه — قرن ۲۰م. .. شناسه افزوده: نوری، اصغر، ۱۳۵۵ - مترجم .. وضعیت فهرست نویسی: فیبا .. رده بندی دیویی: ۸۴۳/۹۱۴

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ۴ع۵ / PQ۲۶۷۰
شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۸۷۰۷۵

مراکز فروش

انتشارات هیرمند، میدان انقلاب، خیابان لیاقی نژاد
بین دوازده فروردین و فخر رازی، بلاک ۲۰۴
هیمنده
www.hirmandpublication.com تلفن: ۶۶۴۰۹۷۸۷

شهرکتاب بوستان، پونک، مرکز تجاری بوستان، دور رینگ مرکزی
www.bbookcity.com تلفن: ۴۴۴۹۸۳۴۵

www.ketab.ir

عنوان و نام پدیدآور: عشق زیاد هم قیمتی نیست/ بریژیت ژیرو
مترجم: اصغر نوری
چاپ اول: ۱۳۹۴
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۶۵۰۰ تومان
شابک: ۲-۳۸۲-۴۰۸-۹۶۴-۹۷۸
مدیر هنری: محمد خاکپور
آماده‌سازی: آتلیه‌ی هیرمند
طراحی جلد: آتلیه‌ی هیرمند
چاپ و صحافی: اسطوره
همه‌ی حقوق برای ناشر محفوظ است.

فهرست

۱۳	آخر قصه
۱۷	تابستان انتظار
۲۳	روز و شب
۲۷	گفتن به بچه‌ها
۳۱	از همین حالا دلم برات تنگ شد
۳۷	جای درست
۴۳	عادت
۴۹	سال دهسالگی من
۵۵	بیوه‌ها
۶۱	اشیا
۶۷	زمان گذشت

همه‌ی بیوگرافی‌های منتشرشده از بریژیت ژيرو در یک جمله‌ی واحد خلاصه می‌شوند: او سال ۱۹۶۰ در الجزایر (شهر سیدی بِل اَبَس^۱) به دنیا آمده است و امروز در لیون زندگی می‌کند. بعضی جاها چند جمله‌ی دیگر به آن جمله‌ی واحد اضافه می‌شود، این‌که ژيرو پس از تجربه‌ی کارهای مختلفی چون کتاب‌فروشی، روزنامه‌نگاری و ترجمه، خودش را تماماً وقف نوشتن کرده و به مدت سیزده سال مشاور جشنواره‌ی ادبی شهر برون^۲ بوده است. به این هم اشاره می‌شود که او دبیر مجموعه‌ی ادبی لا فور^۳ در انتشارات استوک^۴ است، جایی که همه‌ی کتاب‌های خودش هم منتشر شده است. اما یک چیز قطعی است، هویت مضمون اصلی همه‌ی آثار بریژیت ژيرو است و نویسنده با رویکرد به این مضمون، در هر کتاب، نقابی از خود و شاید از زن به معنای مطلق آن برمی‌دارد.

همه‌ی کتاب‌های بریژیت ژيرو مونولوگِ یک «زن» در زمان حال هستند برای روایتِ رابطه‌ی او با موقعیتی که همان لحظه تجربه‌اش می‌کند. نویسنده با ریتم شخصیت اثر جلو می‌رود و عواملی را به‌دقت

1. Sidi-Bel-Abbès

2. Bron

3. La Foret

4. Stock

بررسی می‌کند که نوعی گسست، گذار یا فقدان به بار می‌آورند. اگرچه رمان، هنر تحریف و دور زدن احساسات تجربه‌ی زیسته‌ی نویسنده است، اما روایت «من» این ترس را هم در پی دارد که خواننده حرف‌های راوی را به‌مثابه زندگی‌نامه‌ی نویسنده تلقی کند. شاید از این‌روست که ژیرو در اولین اثرش، اتاق والدین (۱۹۹۷) برای راوی صدایی مردانه برمی‌گزیند و سرگذشت «من»ی را روایت می‌کند که پس از گذراندن سال‌ها در زندان به اتهام قتل پدرش، تنها جایی که برای بازگشت دارد خانه‌ی خودشان است؛ چون فقط مادرش می‌تواند درک کند که چرا او پدرش را کشته است. ظاهراً ژیرو با این انتخاب از خطر یکی‌انگاری با شخصیت خود در امان می‌ماند. چارچوبی ساختگی به دست می‌دهد برای گریز از خود و پرداخت به احساساتی که با پرسش‌های خود پیرامون وجود انسانی مرتبط است. اما خیلی زود این ترفند را کنار می‌گذارد و در کتاب دومش، نیکو (۱۹۹۹)، روایت را می‌سپرد به دختر جوانی که شاهد بزرگ شدن برادر کوچک و شکننده‌اش است که نمی‌تواند در خانواده‌ای از هم پاشیده، بین پدری مستبد و مادری که خود را وقف بیمارانش کرده، جایگاهش را پیدا کند. خواهر می‌خواهد از برادرش حمایت کند اما در این کار موفق نیست. کتاب سوم ژیرو، حالا (۲۰۰۱)، بیشتر از دو کتاب قبلی به نویسنده نزدیک است و «من» این کتاب، زنی نویسنده و ساکن لیون است که شوهرش در یک سانحه‌ی موتورسیکلت فوت کرده و حالا زندگی برای او به دو زمان تقسیم شده: حالا و گذشته. «حالا»ی بدون شوهرش و «گذشته»ی با او. این کتاب برنده‌ی جایزه‌ی وِیلر^۱ شد و بیشتر از دو کتاب قبلی ژیرو، نویسنده‌ای را به ادبیات فرانسه معرفی کرد که چیزهای ساده، مستقیم و عینی را دوست دارد؛ گرچه گاهی بین کلمات ساده و جمله‌های کوتاهش تصویرهای عجیبی سُر می‌دهد که خواننده انتظارش را ندارد. نثر این نویسنده سهل و ممتنع و عاری از هر نوع پیچیدگی و

زواند است، انگار جمله‌ها صیقل خورده‌اند که صاف و سبک به هدف بنشینند. شاید از این‌روست که سه رمان اول ژیرو و تقریباً همه‌ی آثار بعدی‌اش، کتاب‌های فشرده و کوتاهی هستند که منتقدان ادبی در اطلاق نام رمان یا داستان بلند بر آن‌ها اختلاف نظر دارند.

با بررسی آثار بریزیت ژیرو می‌شود به چند دل‌مشغولی عمده‌اش رسید: رابطه با جنس مذکر، مردانگی، شکنندگی، رابطه‌ی سلطه‌گر - زیرسلطه (در خانواده، زوج، محل کار)، هویت و دشواری یافتن «جای درست» برای زندگی؛ چراکه خود او طی کودکی تا نوجوانی بی‌وقفه از جایی به جای دیگر نقل مکان کرده است. تقریباً همه‌ی این دل‌مشغولی‌ها را می‌توان در یازده داستان کتاب عشق زیاد هم قیمتی نیست (۲۰۰۷) یافت. این یازده داستان، از پایان یک قصه‌ی عاشقانه می‌گویند و راوی‌شان صدایی زنانه است. ژیرو با این کتاب برنده‌ی جایزه‌ی گنکور داستان کوتاه شد و شهرتش به‌عنوان نویسنده‌ای صاحب‌سبک از مرز کشورهای فرانسه‌زیان فراتر رفت. به‌نظر بسیاری از منتقدان ادبی، نثر ژیرو در این کتاب در اوج پختگی خود است و بعضی از داستان‌های این مجموعه را نمونه‌های بسیار موفق راوی دوم شخص می‌دانند.

با رمان یاد می‌گیرم (۲۰۰۵) ژیرو به یادگیری خواندن می‌پردازد، همچنان با استفاده از «من»، اما «من»ی که «ما» را تداعی می‌کند. رمان، خط‌سیر دختری را از ۶ تا ۱۶ سالگی ترسیم می‌کند، دختری که کشف می‌کند چطور می‌تواند به دنیای بزرگسالان راه یابد. ژیرو در این کتاب از چیزی حرف می‌زند که به شخصیت انسان شکل می‌دهد و مدرسه را به‌مثابه محلی مطرح می‌کند که تخیل را به ما یاد می‌دهد. محلی که در آن زندگی گروهی را یاد می‌گیریم. ژیرو در رمان سال غریب (۲۰۰۹) دوباره به مضمون یادگیری برمی‌گردد و سرگذشت دختر نوجوانی را روایت می‌کند که به آلمان می‌رود تا با اقامت درخانه‌ی یک خانوادگی آلمانی، به یادگیری زبان آلمانی ادامه دهد. نقطه‌ی

عزیمت این رمان، نقطه‌ای است که در بسیاری از رمان‌های ژیرو تکرار شده است: سوگواری. لورا، سوگواری برادر کوچکش است که در یک سانحه‌ی موتورسیکلت در گذشته است. مسئله‌ی اصلی رمان، بررسی این نکته است که وقتی به زبان غیرمادری حرف می‌زنیم، به آدم‌های متفاوتی تبدیل می‌شویم. به محض این که در می‌یابیم فقط می‌توانیم از دایره‌ی واژگان کوچکی استفاده کنیم، همین کمبود واژگان، موجب نوعی از خود بیگانگی می‌شود.

جای نگرانی نیست (۲۰۱۱)، دیگر رمان تحسین‌شده‌ی بریژیت ژیرو است که در آن دوباره به صدای راوی مردانه باز می‌گردد تا قصه‌ی پدری را روایت کند که پسر بچه‌اش، مهدی، سخت بیمار است. همکاران پدر با هم متحد می‌شوند و ۱۷۰ روز مرخصی برای همکارشان جور می‌کنند تا او بتواند ماه‌ها کنار پسرش بماند. ژیرو در این رمان، نشان می‌دهد که بیماری می‌تواند زنجیره‌ای از تهدیدها، خطرها و حتی جنون را در پی بیاورد. پدر، مرد چهل‌ساله‌ای است که تلاش می‌کند در عین پرستاری از پسرش، پدر، همسر و کارمند باقی بماند. این بار، یک مرد، نه یک زن، به رغم میلش مرخصی می‌گیرد و خانه‌نشین می‌شود تا از بچه‌اش مراقبت کند. طی سه سال بیماردری مرد، با پرسشی اجتماعی و سیاسی مواجه می‌شویم: آیا بدون نگاه و توجه دیگران می‌توانیم وجود داشته باشیم؟

بریژیت ژیرو اغلب با هنرمندان دیگر کار می‌کند. با پسرها (۲۰۱۰) حاصل یک قرائت موسیقایی است به همراه موزیسینی به نام فابیو ویسکوگلیوسی.^۱ سال ۲۰۱۳، او با آلبین دو لاسیمون^۲ پروژه‌ای به نام پینگ‌پنگ را اجرا کرد، نوعی قرائت/کنسرت که در آن متن‌های نویسنده و ترانه‌های خواننده به روشی چشمگیر به هم جواب می‌دادند. ژیرو همچنین رقصنده و ژیمناست است. با همکاری کورگرافی به نام بناتریس

1. Fabio Viscogliosi

2. Albin de la Simone

گیرد^۱ یک قرائت/رقص اجرا کرد با عنوان چون من یک دختر هستم که نمایشی بدنی بود با دو بازیگر که نقش ذهن و بدن را به نمایش می‌گذاشتند چون از نظر بریژیت ژیرو نوشتار و بدن، یک چیز واحد هستند و هیچ جای تعجب ندارد که از برخورد این دو کتابی زاده شود. داشتن یک تن (۲۰۱۳) رمانی است که چند مرحله از زندگی یک زن را روایت می‌کند: اول، تن یک دختر بچه که طی بدل شسندنش به دختر، دستوره‌های اجتماعی، خانوادگی و حتی سیاسی را تحمل می‌کند. بعد، دختر نوجوان باید خودش را به آب و آتش بزند تا در نگاه پسرها وجود داشته باشد. رمان با روابط بین زوج ادامه پیدا می‌کند و از زندگی دو تن در یک فضا می‌گوید و سرآخر به مرحله‌ی بارداری می‌رسیم؛ پناه دادن تنی دیگر در تن خود.

اصغر نوری

۲ تیر ۹۴